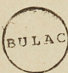




بسم الله الرحمن الرحیم




چون اینحقیر استاد صادق ابن استاد ابراهیم کاشیپز نطنزی الاصل
والمسکن در علم مذکور فی سنه [illegible] یکنوع شهرتی داشت بعضی از دوستان
وهمکاران خواهش نمودند که چیزی دران باب به یادگار بنویسم
لهذا محض رضایت خاطر ایشان شروع بدین مختصر نموده و به رساله
در اداب کاشیپزی موسوم ساخته و بر چهار فصل بنا نهاد فصل

اوّل در بیان تحصیل اجزائی که ازان لعاب ساخته
میشود فصل دوّم در شرح لعابی دیگر که مختص است
بکارهای مخصوص اعلا فصل سیم در شناختن جسم
خشتها و ظروف فصل چهارم در بیان رنگهای
الوان مختلفه نقاشی مخصوص روی خشتها و ظروف
و تفصیل اجزای رنگ و تربیت و تکلیت کردن و
امتزاج نوع اجزای مختلفه بایکدیگر تا ازان حاصل
شود رنگهای متفاوته فصل اوّل بدانکه شورهٔ پیابانی
را جمع کرده اتش کنند تا خاکستر شود بعد از سوختن کهلائی ازان جمع

میشود در میان خاکستر کهلا را بگیرند سنگ سفید معدنی که مشهور

است بسنگ چخماق در قم و در نزدیکی شهر ری کوهیست مشهور

به بی بی شهربانو و در رودخانهٔ خاو جون اصفهان که اب از سمت

کوه میاورد یافت شود اما در زمین وارد ستان که از قرای اصفهانند

از آن سنگ و از آن شوره بسیار خوب پیدا میشود که از همهٔ جا

های مذکوره بهتر است مختصر سنگ را باید حاضر کرده با پتک

اهن کوبید بعد از نرم شدن سنگ یک وزنه کهلا و همان وزن

هم از آن سنگ نرم شده بهم مخلوط کرده بریزند در کوره و کوره را

آتش کنند در وقت آتش کردن باید با میل آهن آن کهلا و سنگ

معدنیرا القدر بهم زد و آتش پای در پای کیر تا اب شده بریزد در چوچه

که در زیر کوره بنا شده است مجسم میشود بعد از سرد شدن بر

داشته نگاه کنند مانند شیشهٔ سخت بنظر مینماید اگر از رنگ کهلائی

نامند باری ان رنگ کهلائی را که مثل شیشه است دوباره با یک

آهن نرم کوبیده دستار کنند که سائیده شود هرچه نرم تر

بهتر بعد یکمن سرب و یک چارک قلع را در ظرف سوفالی که

دو طرف ان را دو سوراخ کرده باشند کذارده و سرپوش نیز بهمین

طریق که دو سوراخ داشته باشد بر روی ان نهاده کذارند توی کوره

و آتش کنند تا انکه شعلهٔ اتش از سوراخ عقب قدح داخل شده از

سوراخ پیش رو خارج شود بقسمی که زیر و روی سرب و قلع را
آتش فرا گیرد بهمین قسم آتش کنند تا ان سرب و قلع اب شود بعد
آتش را کم کم سبک کنند تا ان سرب و قلع اب شده کرک پیاندازد
سرپوش قدح را بر داشته کرک او را یک طرف کشند ایضاً آتش را
کم کنند دو مرتبه کرک اندازد باز کرک را جمع کنند بهمین قسم تا تمام
ان سرب و قلع کرک شود بر داشته روی سنگ نرمی صلایه کنند
بعد چهار قسم از رنگ کهلائی و یک قسم از کرک دکر شده را باهم
مخلوط کرده بکار برند این یک قسم لعاب است **فصل دوم**
بدانکه باید از کهلای اوّل بر داشته در فاطیلچه ریخته روی آتش گذارده

بجوشانند پس از جوشیدن در قدح سوفالی ریخته شب را تا صبح

بگذارند بماند چون صبح در قدح نگاه کنند مثل شاخهٔ نبات یا انکه

یخ زمستان جوهری رو آورده و ثقل ان ته نشین ازا جوهر کهلا مانند

یک قسم از جوهر کهلا و یک قسم و نیم از سنگ چخماق بسیار نرم سائیده

برداشته مخلوط کنند و هر قدر که بخواهند در چندین ظرف سوفالی

ریخته دور تا دور کوره بچینند و مشغول اتش کردن میشوند اول بقدر دو

ساعت دود خواهد کرد بعد از دود رنگ اتش قرمز میشود و بعد از

دو ساعت دیگر رنگ اتش سفید میشود الی کا دو ساعت دیگر

نگاه کرده می بینند انچه در ظروف بوده آب شده آتش را موقوف

کنند تا کوره سرد شود ظروف را بیرون آورده بشکنند و لعاب را
از آن سفالهای شکسته سوا کنند و هرچه هم جرب شده باشد بتراشند
جسمی مانند شیشه سخت مینماید از آن یک آهن نرم کوبیده از غربال
بیرون کنند چهار قسم از آن شیشه بیخته و یک قسم از آن گوگرد سابق
الذکر خرد کرده بریزند در ظروف سفالی بطریقی که ذکر شد
دور تا دور کوره چیده آتش کنند تا این سه حالت که گفتیم در
رنگ آتش ظاهر شود باز بهمان قسم کوره را سرد کنند و ظروف را
بیرون آورده بشکنند سفالش را تراشیده پاک کنند و لعاب
پاک کرده را حتی الامکان ببندند و از برای کارهای مخصوص

بکار برند **فصل سیم** بدانکه گل است سفید رنگ که گل

بوته نامند معدنی دارد در ورقون که یکی از قراء اصفهان است

با های دیگر هم هست لاکن معدن ورقون از اکثر معدن ها بهتر

است قدری ازان گل بوته بر داشته در آب ریخته دوغ آب

کنند وان دوغ آب را از کرباس در کنند پس ازان سنگ

چخماق ساییده هشت وزنه گل بوته خشک یک وزنه ازان

سنگ و کهلای با سفال پخته یک وزنه هر سه را مخلوط کرده

با دوغ آب مذکور خمیر کنند و خشت یا ظرفی که بخواهند بسازند

و بگذارند تا خشک شود هر گاه بخواهند روی خشت نقشهای درجسته

کنند باید در دقیقه که خشت تماما خشک نشده برداشته با قلم

کج برای هر نقش که بخواهند برجسته کنند و بگذارند خشک شود

بعد از خشک شدن روی خشت های ساخته را با پارچه بشویند

سنگ جخماق بسیار سفید سائیده یک وزنه گل بوته هشت یک

ان وزنه بریزند در ظرفی دو غاب کرده بپاشند روی خشت

و خشت را سرازیر کنند که بقدر دولای کاغذ روی ان خشت

بچسبد و زیادش ریخته خشک کنند **فصل چهارم** بدانکه سنگی هست

مشهور بسیاه قلم معدنی و سنگ دیگر هست که مغنیا مند

سیاه قلم معدنی ده وزنه مغنیاد یک وزنه بهم مخلوط نموده بریزند

درآب گل کرده روی سنگ صافی صلایه کنند بطوری که مثل

شیره بنظر بیاید و چند قطره هم شیرهٔ انگور به ان داخل نموده با

قلم مو هر نقش که بخواهند روی خشت ها نقش کنند طلا نیم

مثقال در تیزاب ریخته دنشت نخود قلع هم در یک کاسهٔ دیگر که

پر از تیزاب باشد بریزند وان دو را در ظرف سوفالی که

پنج من آب داشته باشد بریزند ان پنج من آب قرمز مایل

بسیاه میشود بلور صلایه کرده ۳۴ سفید و مثقال داخل ان آب

کنند کرک قرمزی انداخته ته می نشیند آب رویش را

دور بریزند چهار مثقال مرده سنگ طلائی و دو مثقال ثته کار

بان کرک ته نشسته داخل کرده صلایه کنند و هر نقش

قرمزی که بخواهند بکنند **رنگ لاجورد** در حوالی کاشان

کوهی هست که معدن لاجورد خاکی دارد که از آن کوه شکفت

میکنند هر چند سال یک دفعه اهل کاشان رفته از آن شکفته

خاک میاورند عمل آورده غنچه میکنند و غنچه لاجورد نامند

غنچه لاجورد کوبیده یک وزنه بوره یزدی که زرگرها کار میکنند

نیم وزنه جوهرشه کار خراسانی که آهنگران کار کنند نیم وزنه هر

سه را مخلوط کرده در ظرف سوفال ریخته بکوره بگذارند و

آتش کنند تا همان طور که پیش ذکر شد آب بشود بعد

کوره را سرد نموده از کوره بیرون آورند وان ظرف سوفالی

را شکسته رنگ پخته توی انرا بردارند و بشکنند میان آن دوا

جوهری یافت میشود مانند نقره سفید ازان جوهر سفید یک

وزنه غنچهٔ لاجورد خام هم یک وزنه سنگ چخماق صلایه

شده یک وزنه هر سه را مخلوط نموده صلایه کنند

بعد هر چیزی را که بخواهند رنگ کنند اگر دیر رنگ باشد

سنگ چخماق صلایه شده داخلش کنند کم رنگ میشود

**رنگ فیروزه** وقتیکه مسکر ها مس را در کوره کرده میکوبند

ریزشی میکنند ازان ریزش گرفته بلبند یکوزن ازان ؛

ریزش مس سائیده نیم وزن هم سنگ چخماق سائیده

هم مخلوط نموده رنگ کنند فیروزه میشود **رنگ بنفش**

از آن رنگ قرمز ساخته یکوزنه ثلث آن وزنه لاجورد ساخته

هر دو را بهم مخلوط نموده صلایه کنند و هر نقشی که بخواهند

بکنند امّا بنفش زنبقی سنگ مغز خام بیند و رنگ کنند

**رنگ زرد** دو نوع است یکی انست که گل از سمت خراسان

طلبیده لطیفه انرا گرفته صلایه کنند و رنگ زرد سازند قسم دیگر

رنگ زرد از هرات میشود تنها گرفته نقش کنند **رنگ سبز**

از دمشق میاورند گرفته هر نقش سبزی که بخواهند بکنند **لعاب**

بعد از رنگ امیزی قدری از ان دو قسم لعاب که
در فصل اول و دوم ساخته شد بردارند و بریزند در ظرف
سوفایا و قدری هم کتیرا خیسانیده صاف نمایند داخل
هم نموده اب بریزند تا رقیق شود پس از ان خشتهائی که از
رنگ امیزی در آمده دست گرفته از ان لعاب رقیق نثارش
کنند و سرازیر نمایند تا زایدش بریزد و بگذارند تا خشک شود
بعد در کوره مثل اینه بندی بچینند و دو ساعت اتش سبک
کنند روی خشتها سیاه میشود بعد قدری شدید نموده تا دو ساعت
دیگر اتش کنند سیاهی روی خشتها برگشته قرمز میشود بعد

از ان اتش را ۳ ساعت ملایم کنند نه بحدی که رنگ

روی خشتها خشک شود بعد از ۳ ساعت در کوره را

دو ۳ روز گرفته بگذارند تا سرد شود و بیرون اورند واین

مشهور است بنقشی زیر لعاب و هیزم از برای سوزانیدن

باید بید و خشک باشد خاتمه در تعریف جسم خشتها و

ظروف و هفت رنگ که روی خشت سفید میکنند

خشت را ممکن است از خاک رس ساخت لاکن باید ماسه

یا خاکستر داخلش کرد تا انکه پر قوت بشود اما ظرف را بجز

از سنگ چیزی دیگر نباید ساخت بطریقی که ذکر شد ::

۱۶

رنک سفید ۳ وزنه سرب و یک وزنه قلع را بطریق

سابق صلایه کرده شش وزنه ازان رنک شیشه که سابق

ساخته شد با قدری کتیرا داخل هم نموده خشت را رنک کرده

در کوره کذارند نصف درجه اتش سابق این هفت رنک

را اتش کنند رنک فیروزه شانزده سیر رنک سفید

یک سیر تفاله مس داخل نموده در کوره کذارند فیروزه میشود

رنک زرد شانزده سیر سرب یک سیر قلع در کدازنه

نموده کرک انرا در کوره کذارند و اتش کنند تا روباب

شدن باشد چهار یک ان سرب و قلع سنک چخماق صلایه

شده داخل نمایند و رنگ کنند و این نصف آتش سیر

رنگها آتش میخواهد **رنگ مشکی** بلور رسته وزنه رنگ شیشه چهار

وزنه رنگ مغنی یک وزنه جوهر کهلا هشت مثقال

داخل هم نموده صلایه کنند آتش هم مثل رنگ سفید

لازم دارد **رنگ لاجوردی** پنج سیر لاجورد خام پانزده سیر

بلور ریخته سیر هم رنگ شیشه یک مثقال جوهر لاجورد

هشت مثقال جوهر کهلا صلایه کرده داخل لعاب کیترا

نموده رنگ کنند آتش تمام لازم دارد **رنگ سبز**

تقاله یک وزنه سرنج سه وزنه بلور شش وزنه سنگ شش

ورنه رنک شیشه شش ورنه داخل هم نموده صلایه کنند و

هر نقش که بخواهند بکنند رنک قرمز نیم مثقال طلا در تیزاب

بریزند شش نخود قلع هم در ظرف دیکر که تیزاب داشته باشد

بریزند یک ظرف سوفالی که پر از اب باشد اوّل تیزاب

طلا را خالی کرده با دست شد بهم زنند و زود تیزاب قلع

را داخل ان کنند رنک اب قرمز مایل بسیاه میشود بلور

صلایه شده سی سیر داخل ان اب کنند اب کرک

انداخته ته می نشیند اب رویش را خالی کنند انچه ته

نشسته سی سیر شته کار سی سیر جوهر کهلا سی سیر هم

رنگ شیشه داخل نموده رنگ کنند از کوره قرمز در بیاید

**رنگ بنفش** رنگ قرمزیک و رنه رنگ لاجورد چهار و رنه

داخل هم نموده از کوره بنفش در بیاید **رنگ نارنجی یا عنابی**

سفالهٔ آهن را در تیزاب ریخته چند روز بگذارند بجا بند

هم دیگر را خورده زعفران الحدید میشود در آب ریخته رنگ

کنند نارنجی یا عنابی میشود **رنگهای مخصوص بهفت رنگ**

اگر بخواهند یک خشت را هفت رنگ کنند اولگه باید هفت

رنگ را ساخت و امتحان نموده اجزائیش را میزان کنند

بعد از آن خشت سفید که از کوره در آمده قابل این هفت

هست که باید روی ان خشت سفید هفت رنگ نقش

بشود **رنگ لاجوردی** جوهر لاجورد دو مثقال غنچهٔ لاجورد

خام چهار مثقال بلور صلایه شده سی ۳۰ مثقال سنگ چخماق سی ۳۰

مثقال تنه کار سی ۳۰ مثقال جوهر کهلا سی ۳۰ مثقال این جمله را صلایه

کرده در ظرف سوفال یا کوره کنند و بیرون اورده ظرفش

راشکسته انچه توی ظرف هست اب گیرند و رنگ کنند

**رنگ زرد** مثل سابق است روی خشت سفید که رنگ

کنند زرد میشود **رنگ سبز** مس چهار مثقال لاجورد

چهار مثقال بلور سی ۳۰ مثقال سنگ سی ۳۰ مثقال جوهر کهلا سی ۳۰

مثقال شوره قلمی مثقال داخل هم کرده در ظرف سوفالی

کوره کنند بعد ازان از کوره بیرون اورده ظرفش را بشکنند

انچه توی ظرف هست صلایه کرده روی خشت سفید رنگ

کنند از کوره سبز در اید **رنگ فیروزه** مس شش مثقال

لاجورد پنج مثقال رنگ سفید مثقال بلور مثقال

سنگ مثقال جوهر کهلا مثقال شوره قلمی مثقال

کوره کرده بیرون آورند رنگ فیروزه کنند **رنگ**

**مشکی** مغز چهار مثقال بلور مثقال سنگ چخماق

مثقال جوهر کهلا مثقال شوره قلمی مثقال کوره کرده

بیرون آورند سائیده کنند **رنگ قرمز** طلا یک مثقال

در ظرف تیزاب ریخته دو نخود قلع هم در ظرف دیگر که تیزاب

داشته باشد بریزند قدحی پر از آب کرده اول تیزاب

طلا را خالی کنند بعد تیزاب قلع و با دست بهم زنند کره که

ته میاند از آب رویش را خالی کرده سی صد و بیست

مثقال بلور یکصد و ده مثقال ته کار را داخل کرده کوره

کنند از کوره بیرون آورده ظرفش را بشکنند و آنچه

توی ظرف هست رنگ قرمز است **رنگ بنفش** از

رنگ قرمز چهار وزن رنگ لاجورد یکوزن مخلوط کنند

منقش میشود هرگاه بخواهند این رنگهارا امتحان کنند باید

تمام هشت رنگ را روی شکسته آجر نقش کنند و کوره

کرده بیرون آورند هر رنگ که کم رنگ و بی صفا باشد

از اصل همان رنگ داخلش کنند تا خوب شود

آتش هم نصف آتش رنگ های مصرف لازم دارد ::

تمت

مخفی نماند که این نسخه نوشته گشته در دار الایمان قم از روی

اصل نسخه که در کتابخانه جناب سید السادات آقای

آقا سید جواد مجتهد سلمه الله تعالی حسب الفرموده

جناب شوکت مدار سرکار مسیو **فارک** فرانسوی

در زبان فارسی و عربی و اکثر السنهٔ خارجه مشهور عصر

و افلاطون دوران است بمحض تحریر یافت کتبه

العبد الحقیر مقاشی المسیحی بتاریخ ۱۹ رمضان المبارک

سنه ۱۲۹۳



[illegible]

